

نکته‌ای کمتر شنیده شده درباره قیصر امین پور

از هشتم آبان سال ۸۶ - یعنی روز عروج شاعر، پژوهشگر و منتقد ادبی، زنده‌یاد دکتر قیصر امین‌پور- تا حالا و با گذشت نزدیک به دو دهه، درباره این شخصیت تأثیرگذار، حرف‌ها و مطالب متعددی گفته و شنیده شده و دوستان، نزدیکان و شاگردان او نیز همراه با شاعران و نکته‌پردازان، در رسانه‌ها به انتشار نوشتارها و اظهار نظرهایی با محوریت آن شاعر فرهیخته خوزستانی و فرزند نجیب و مهروز ایران عزیز پرداخته‌اند.

البته قیصر وجهه‌ای دانشگاهی هم داشته و دارد که تعالی بخش حیات علمی و اجتماعی او شده است. حضور مغتنم او در فضای دانشگاهی کشور، راهی تازه و آغازی بود برای پیوند مبارک ادبیات امروز با به تعبیر قدیمی‌ترها «ادبیات معاصر» با دانشگاه‌های ما؛ حیف که او رفت و ابین راه، به کمال نرسید.

هرچند اهتمام برخی استادان فعلی دانشگاه برای معرفی ادبیات امروز ایران به دانشجویان را نباید نادیده گرفت اما شخصیت جامع‌الاطراف و چندوجهی قیصر امین‌پور، مصداق مصرع معروف: «خود راه بگویی‌ت که چون باید رفت» است. او هم شاعر بود، هم سخن‌شناس، ادبیات‌کهن (قدیم) را به خوبی خوانده بود و دوایون ادب را کاملاً می‌شناخت، در شعر معاصر، نفس می‌کشید و خودش از استوانه‌ها بود. به گواه شاگردانش، کلاس درس او نظیر نداشت. حتی نثرها و نوشته‌های غیرمنظومش هم عمیق و تعالی بخش بود. به جز بزرگسالان، قیصر فکرها و حرف‌هایی ژرف نیز برای مخاطبان کودک و نوجوان داشت، دلبش برای کودکان مظلوم و زخم‌دیده فلسطینی می‌تپید و شعری بلند نیز برای آنها گفت که انصافاً هنوز خواندنی و پراحساس و تازه است! اما نکته کمترشنیده شده، شناخت کاربردی قیصر امین‌پور از «رسانه» و کارکرد فرهنگی این حوزه» است. او به اشراف و معرفت والایی از رسانه دست یافت و نگاهی فرهنگی و معرفتی به این پدیده و پیکره بزرگ متصل به افکار و باور عمومی داشت. وقت گذاشتن اش در تحریربه «ماهانم سروش‌نوجوان» مجله‌ای برای مخاطبانی با گروه سنی تعریف شده در آن دوره، شاید فقط درصدی از این اشراف و شناخت موسع را آشکار می‌کرد. چند دیداری که توفیق ملاقات با ایشان را داشتم، این واقعیت را برابم آشکار کرد که یک شاعر- می‌تواند و باید- گنجینه‌ای از سایر علوم و توانمندی‌های روز باشد و آگاهی و علم را به مثابه دو بال برای پریدن به‌کار بگیرد. حتی دیدم و از نزدیک شنیدم که در «نقد تکنیکی و محتوایی فیلم» هم توانمندی و دانش سینمایی داشت، دقیقاً شبیه دوست همدل و اهل قلمش زنده‌یاد دکتر سیدحسن حسینی که سال‌ها پیش به رسم ادب و قدردانی بکتاب «سیدشاعران انقلاب اسلامی» (رادر باره‌اش نوشتم و در متن، ذکر خبری از قیصر بزرگوار شد و...

شعر قیصر الحق و الانصاف به یک افق و جهت محدود نیست که بخواهیم «تعریفی تیرتور» از او داشته باشیم؛ مثلاً شاعر عاشقانه‌ها خطابش کنیم، هرچند «عشق» در زندگی و زبان شیوای شاعر، جریان‌ی قدرتمند دارد. او طراح پرسش‌هایی عمیق و درهم‌تنیده با فلسفه، عرفان، خداپاوری و آگاهی است که در شعرهایش با صراحت از انسان‌ها می‌پرسد؛ در حالی که خود به منبع جواب

رسیده. من در یک کلمه، او را منادی اخلاق و آگاهی می‌دانم و می‌شناسم اما با رویکردی شاعرانه و کامل‌اناز! متن کامل رادر جام جم آنلاین بخوانید.

همزمان با آغاز سی‌وسومین هفته کتاب، استان تهران میزبان مجموعه‌گسترده‌ای از برنامه‌های ترویجی با هدف پیوند عمیق‌تر فضای عمومی با فرهنگ مطالعه است. به‌گفته حجت‌الاسلام حسین ملکی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، امسال رویکردی جامع با مشارکت تمام شهرستان‌ها، نهادهای فرهنگی و ناشران بومی اتخاذ شده تا کتاب از انحصار فضاهای خاص بیرون آمده و به

بسج فرهنگی برای کتابخوانی در استان تهران

«بهارستان» درآینه ۲ قرن

حمیدرضا حسینی معتقد است تاریخ بهارستان بازتابی از فراز و فرود سیاست و فرهنگ ایران در ۲ سده اخیر بوده است



میدان بهارستان، که از باغ‌های سلطنتی قاجار تا مرکز تحولات مشروطه و سپس نماد نهاد قانون‌گذاری ایران راه پیموده، در پژوهش تازه حمیدرضا حسینی با عنوان «میدان بهارستان» در هفت فصل روایت می‌شود؛ اثری که با تکیه بر اسناد تاریخی و منابع آرشیوی، سیر دگرگونی این میدان را از سال ۱۱۸۸ تا ۱۳۹۹ خورشیدی در سه لایه سیاسی، فرهنگی و شهری پی می‌گیرد و تصویری چندبعدی از یکی از پرمجا‌ترین فضا‌های تاریخی تهران ارائه می‌دهد. در همین ارتباط گفت‌وگویی با این پژوهشگر تاریخ معاصر داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

❦ ❦ ❦

❦ آیا تقسیم‌بندی هفت فصل کتاب توانسته پوشش کامل و متوازنی از تمام دوره‌های تاریخی بهارستان ارائه دهد؟ و بر همین اساس آیا امکان دارد برخی دوره‌ها یا رویدادهای کلیدی کمتر مورد توجه قرار گرفته یا کم‌اهمیت جلوه داده شده باشند؟

تاریخ بهارستان تا حد زیادی تابع تاریخ تهران و در دایره‌ای وسیع‌تر، تاریخ ایران بوده و تحولات این میدان در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، معماری و شهرسازی متأثر از تحولات بزرگ‌تر در سطح ملی است. مثلاً انقلاب مشروطه، همچنان که سر فصل جدیدی در تاریخ ایران محسوب می‌شود، فصل تازه‌ای را هم برای میدان بهارستان رقم می‌زند، چراکه با برقراری نظام مشروطه، مجلس شورای ملی در این میدان جایگر می‌شود و از آن به بعد اغلب رویدادها و تحولات بهارستان متأثر از حضور مجلس در آنجاست. در فصل بندی کتاب به این تأثیر و تأثر توجه شده است. در مقدمه کتاب شرح داده‌ام که تاریخ بهارستان شامل چهار لایه رویدادها و تحولات سیاسی، رویدادها و تحولات فرهنگی، تحولات کالبدی از دو منظر معماری و شهرسازی، و تحولات اجتماعی است. دو لایه اول به تفصیل شرح داده شده و لایه سوم در حد ترسیم خطوط کلی تحولات شهرسازی و ریخت‌شناسی میدان و پیشینه بناهای تاریخی مهم دنبال شده است؛ ولی به لایه چهارم، یعنی تحولات اجتماعی، به این دلیل که نیازمند پژوهش گسترده در مطبوعات و منابع تاریخ شفاهی است و مجال وسیع‌تری را می‌طلبد، نبرداختم. تصور می‌کنم همه رویدادها و تحولات مهم تاریخی در میدان بهارستان را در حدود دسترسی ام به منابع تاریخی بازرگوده باشم، ولی در همه پژوهش‌های تاریخی این احتمال وجود دارد که با شناسایی اسناد و منابع تاریخی جدید، زوایای دیگری از موضوع آشکار شود. وزن دهی به رویدادها و تحولات هم تا حد زیادی ناشی از تفسیری است که پژوهشگر از کلیت موضوع ارائه می‌دهد. ممکن است اگر این کتاب را به جای من تاریخ‌خوانده، یک پژوهشگر حوزه معماری می‌نوشت، رویدادها و تحولات دیگری را در کانون توجه قرار می‌داد که در کتاب حاضر کمتر به آنها پرداخته شده است و بالعکس.

❦ چارچوب تحلیل سیاسی، فرهنگی و معماری چگونه با هم تلفیق شده‌اند و آیا این تلفیق موجب کمبود عمق در هر بخشی نشده است؟

کتاب میدان بهارستان، تاحد زیادی یک اثر توصیفی است اما در جاهایی به تبیین وقایع هم پرداخته است؛ به این معنا که علاوه بر چه رخ داد و چگونه رخ داد، به چرایی رخدادها و ارتباط آنها با یکدیگر پاسخ داده است. مثلاً وقتی به این پرسش رسیده‌ام که چرا میدان بهارستان پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا تب‌وتاب می‌افتد و جایگاه بی‌بدیل و بی‌رقب خود در شهر تهران را از دست می‌دهد، این وضعیت را در ربط با تحولات سیاسی پس از کودتا و شکل‌گیری و بالندگی مراکز جدید شهری در تهران

بازگشت نعمت‌الله به فجر با «بت»

حمید نعمت‌الله، کارگردان صاحب‌سبک سینمای ایران، با درام اجتماعی «بت» برای حضور در چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر آماده می‌شود. این فیلم که تجربه‌ای متفاوت با تفسیری خاص توصیف شده، از حضور گروهی از بازیگران سرشناس چون لیلا حاتمی، محمدرضا فروتن، لیلی رشیدی، الناز حبیبی و نوید پورفرج بهره می‌برد. فیلمبرداری بت از ابتدای مهرماه آغاز شده و علاوه بر جشنواره فجر، برای حضور در جشنواره‌های معتبر خارجی نیز برنامه‌ریزی شده است. نعمت‌الله پیش از این، ساخت آثار موفق‌ی چون «رگ خواب» و «آرایش غلیظ» رادر کارنامه دارد.



متناسب‌سازی «شب‌های روشن» برای نابینایان

در ادامه پروژه فرهنگی دسترس‌پذیرکردن سینمای ایران، بهنوش طباطبایی روایت صوتی فیلم سینمایی «شب‌های روشن»، اثر تحسین‌شده فراز مومتن را برای مخاطبان نابینابر عهده‌گرفت. این اثر که سی‌وهشتمین قسمت از برنامه «فیلمخانه سونیا» است، روز پنجشنبه ۱۵ آبان‌ماه از طریق وب‌سایت این‌گروه منتشر خواهد شد. پروژه «سونیا» به‌سرپرستی گلاره عباسی، با هدف ایجاد فرصت برابر برای تماشای آثار سینمایی، تاکنون میزبان صدای هنرمندان برجسته بسیاری بوده است. در این پروژه، متن روایت فیلم توسط شیدا محمدطاهر نوشته‌شده و نظارت بر ضبط آن را کیوان کنیریان عهده‌دار بوده است. این حرکت فرهنگی پیش از این با مشارکت هنرمندانی چون پرویز برستویی برای «هامون»، رخسان بنی‌اعتماد برای «روسی‌آبی»، هونن شکبیا برای «اجاره‌نشین‌ها» و سارا بهرامی برای «من ترانه ۱۵ سال دارم»، توانسته گنجینه‌ای از آثار ماندگار سینمای ایران را برای جامعه نابینایان کشور قابل استفاده کند و پلی میان این مخاطبان و پرده‌نقره‌ای باشد.

بطن جامعه‌راه‌یابد. برنامه‌های این هفته شامل طرح‌های متنوعی چون لیگ کتابخوانی، ایستگاه‌های اهدای کتاب رایگان و کاروان اهدای کتاب به مراکز اداری، درمانی و آموزشی است. علاوه بر این، کارگاه‌های تخصصی شعر و داستان‌نویسی، جلسات نقد و رومنایی از آثار نویسندگان بومی به‌ویژه در حوزه دفاع مقدس، و برگزاری عصرهای شعر با همکاری انجمن‌های ادبی، فرصتی برای تعامل مستقیم



میان اهالی قلم و مردم فراهم می‌کند. در اقدامی ویژه، طرح اهدای کتاب به مدارس مناطق کم‌برخوردار و نواختن «زنگ کتاب» در مدارس، باهدف افزایش دسترسی کودکان و نوجوانان به منابع مطالعاتی اجرا خواهد شد. ملکی تأکید کرد که هدف نهایی، فراتر از برگزاری رویدادهای مناسبتی و ایجاد پیوندی پایدار میان مردم، نویسندگان و ناشران است، چراکه مسیر توسعه فرهنگی از کتاب می‌گذرد.

از اعیان و اشراف، جایگاه طبقه بالای جامعه بود. حضور طبقات پایین در آنجا نه‌اینها در جایگاه تماشاچی در مراسمی مانند نحر شتر در عید قربان بود. بعد از مشروطه هم، اگرچه مردم عادی در آنجا رفت و آمد داشتند ولی بهارستان به‌طورکلی جایگاه کر و کر نخبگان و کشگران سیاسی و فرهنگی بود، نه طبقات پایین شهری. البته گاهی و به‌ندرت این طبقات در بهارستان حضوری مؤثر پیدا می‌کردند که اغلب فاجعه‌بار بود، مثل غارت ساختمان مجلس بعد از به توب بسته‌شدن یا بلوای نان در آذرماه سال ۱۳۳۱.

❦ اعتبار و تنوع منابع استفاده‌شده تا چه حد قابل اتکاست؟ آیا منابع اصلی، آرشیوی یا متقن تاریخی به میزان کافی مورد‌بهره‌برداری قرار گرفته‌اند؟ و اساساً محدودیت‌های شما برای پژوهش سندی و کتابخانه‌ای و منابع آرشیوی برای نگارش این اثر چه بود؟

تا جای ممکن سعی کرده‌ام از اسناد قابل اتکا و منابع اولیه در تاریخ دوره قاجار و پهلوی استفاده کنم. در دو فصل ابتدایی کتاب از روزنامه‌های دوره قاجار و نقشه‌های شهری بهره زیادی بردم و به همین علت موفق شده‌ام برخی زوایای تاریک تاریخ بهارستان را آشکار کنم یا به تصحیح روایت‌های رایج و پذیرفته‌شده، ولی اشتباه بپردازم. البته نمی‌توانم مدعی باشم که همه منابع تاریخی را دیده‌ام. بااین حال، هنوز نقاط تاریک بسیاری درباره تاریخ بهارستان وجود دارد که علت آن فقدان اسنادی است که یادرس طول زمان از میان‌رفته‌اند، یا هنوز شناسایی نشده‌اند یا در دسترس قرار نگرفته‌اند. مثلاً در مسیر پژوهش درباره ساختمان‌های سازمان برنامه‌ویوده‌جه، متوجه‌شدم که اسناد بسیار کمی در این باره وجود دارد و در خود سازمان برنامه، با وجود همکاری مشفقانه کارکنان محترم کتابخانه و مرکز اسناد این سازمان، نتوانستم اسنادی را به‌دست بیاورم که نشان دهد ساختمان‌های عظیم این سازمان دقیقاً در چه زمانی و چگونه ساخته شده‌اند و خصوصاً طرح‌ان و معماران آنها چه کسانی بوده‌اند. البته موفق شدم برپایه‌معدودی از اسناد موجود در آرشیو ملی و مطالب مندرج در نشریات قدیمی سازمان برنامه (دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰) اطلاعاتی را درباره پیشینه ساختمان‌های سازمان برنامه و طرح‌های مربوط به الحاق زمین‌های مجاور به این سازمان ارائه دهم که قبلاً گفته نشده بودند. مشکل کمبود یا نبود اسناد، درباره ساختمان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم وجود دارد و باید اعتراف کنم که در این فقره اخیر نتوانستم هیچ مطلب درخوری را به خوانندگان کتاب ارائه دهم.

❦ چه جایگاهی برای منابع ضدونقیض و دیدگاه‌های متفاوت در متن وجود دارد؟

هرجایی که اطلاعات ضد ونقیض یا متفاوتی درباره یک موضوع وجود داشته، سعی کرده‌ام به حل‌وفصل آن بپردازم و روایتی را که درست‌تر می‌دانم، با ذکر ادله، ارائه دهم. ولی توجه داشته باشید که بسیاری از موارد، روایت‌های تاریخی درباره میدان بهارستان آن قدر معدود و محدود است که اساساً به مرتناقض نمی‌رسد. یعنی بعضاً یک روایت از موضوع وجود دارد که یا باید آن را بپذیرید و بازرگ کنید یا با ذکر دلایل منطقی و براساس شواهد تاریخی بطلانش را نشان دهید.

❦ در صورت چاپ مجدد کتاب به نظر شما چه بخش‌هایی را می‌توان به لحاظ محتوایی و سندی به این اثر افزود؟

این که یک کتاب در چاپ‌های بعدی خود از اساس دچار تحول شود یا نویسنده بر پایه اسناد و شواهد تازه‌ای که به‌دست‌آورده، محتوای آن را کامل یا دگرگون کند، چندان مرسوم نیست. اسناد تاریخی جدید همواره در حال شناسایی هستند و می‌توانند یافته‌های پژوهشی پیشین را تحت تأثیر قرار دهند. اگر دامنه این تأثیرها از حد مشخصی بیشتر شود، راهش این است که پژوهش‌های جدید به‌انجام برسد. نه این‌که کتاب‌های موجود در چاپ‌های بعدی دچار دگرگونی اساسی شوند. ولی اگر لغزش‌هایی جزئی به متن راه پیدا کرده باشد، حالا چه خودم متوجه شوم و چه خوانندگان محترم تذکر دهند، در چاپ‌های بعدی اصلاح خواهد شد.

موسیقی

طنین عشق ایرانی در پاریس

آریاعظیمی نژاد، آهنگساز و نوازنده شناخته‌شده ایرانی، با پروژه موسیقایی-نمایشی «عشق در گذر دوران» در سالن معتبر تئاتر ایفل پاریس روی صحنه رفت. این اثر که با عنوان فرانسوی «L'amour à travers les époques» و



به زبان فرانسوی برای مخاطبان غیرفارسی‌زبان اجرا شد، روایتی هنری از مفهوم عشق در فرهنگ و ادبیات کهن ایران بود. این پرفورمنس با تکیه بر اشعاری از حکیم ابوالقاسم فردوسی و عطار نیشابوری، داستان‌های عاشقانه اساطیری ایران را از طریق ترکیبی از موسیقی زنده، روایت ادبی و تصویرسازی به نمایش گذاشت. این پروژه حاصل همکاری مشترک عظیمی نژاد با سه‌نژل، بازیگر سینما و تئاتر فرانسوی، و با نویسندگی و طراحی نیلوفر شاه‌مهری بود. در این پرفورمنس موسیقی زنده توسط عظمی نژاد و روایت براساس ۷۰ فریم تصویرسازی، اثر یک استودیوی مالتزیایی، اجرا شد. تئاتر ایفل پاریس، به‌عنوان یکی از مراکز هنری مهم این شهر، پیش از این میزبان هنرمندان جهانی چون ژان میشل ژار و رابی ویلیامز بوده است.